

سردیست

یادداشت

## برلین و کتابخانه‌های بغداد

فصلنامه کتاب ۵۲ / برلین و کتابخانه‌های بغداد

مسجدی منتقل کند و از گزند مصون بدارد. در افغانستان نیز طالبان که در حوزه فرهنگ سرهنگی‌های بسیار کرده‌اند که انفجار مجسمه‌های بودا و به رگبار بستن و سوزاندن کتاب‌های فارسی کتابخانه دانشگاه کابل از آن جمله است، به دنبال کتب خطی وارد مرکز آرشیو ملی می‌شوند و با توجه به اینکه مخزن در زیرزمین قرار دارد، کتابداران وجود نسخه‌های خطی را انکار می‌کنند، با این تدبیر نسخه‌ها در امان می‌ماند. چه داستان مشابهی دارند این سه کشور! هر سه بر اثر باغی‌گری‌های حکامشان از سوی قدرت‌های جهانی تسخیر شدند و برای آینده سیاستشان قدرت‌های فاتح تصمیم گرفتند.

در این جلسه رایشتاک درباره چگونگی کمک به بازسازی و فعال کردن کتابخانه‌های عراق نظرخواهی شد.

راه‌حل‌های کلیشه‌ای در میان گذاشته شد. ارسال کتاب و اعزام کتابدار و تعقیب خارج‌کنندگان کتاب از این موارد بود. وقتی سؤال شد که مثلاً کتابخانه ملی وتزوتلا قرار است چه کتاب‌هایی ارسال دارد تازه عده‌ای از حاضران فهمیدند که شاید عراقی‌ها به بعضی زبان‌ها آشنا نباشند!

با وجود حسن‌نیت چنان با بی‌اطلاعی سخن می‌رفت که گویا ملت عراق اکنون درد دیگری جز کمبود

جلسه رؤسای کتابخانه‌های ملی (CDNL) در محل مجلس فدرال آلمان یعنی ساختمان رایشتاگ در مرداد سال جاری تشکیل شد. این ساختمان که در ۱۸۹۴ تکمیل شده است سرگذشتی عبرت‌آموز دارد. در سال ۱۹۳۳ یعنی در زمان استیلای هیتلر، به بهانه وضعیت فوق‌العاده به آتش کشیده شد و پس از آن متروک ماند. این ساختمان قلعه‌مانند، در نبرد برلین در ۱۹۴۵ نقش آخرین سنگر نازی‌ها را بازی کرد و سرانجام روس‌ها پرچم سرخ خود را بر فراز آن به اهتزاز در آوردند که این صحنه سوژه یکی از مشهورترین عکس‌های جنگ دوم جهانی است. اکنون رایشتاک به دست نورمن فاستر معمار مشهور تغییر شکل یافته و گنبد شیشه‌ای آن که در زیرش جلسات مجلس تشکیل می‌شود، هر روز هزاران بازدیدکننده دارد و صف آن هیچ‌گاه پایان نمی‌پذیرد. از پشت‌بام بازدیدکنندگان اشرافی کامل بر مجلس دارند و همه چیز قابل رؤیت است، به قول یکی از کتابداران این، سمبل شفافیت دموکراسی در آلمان امروز است!

اکنون در این ساختمان گزارش به آتش کشیدن کتابخانه ملی عراق و دیگر کتابخانه‌های بغداد با نشان دادن عکس و اسلاید توسط نماینده یونسکو ارائه می‌شود. کتاب‌های پودر شده، ساختمان‌های تخریب شده و مجموعه‌های بی‌یغما رفته... و اینکه کتابداری توانسته است مجموعه خطی کتابخانه ملی بغداد را به

کتاب، آن‌هم از نوع هدیه‌اش در خود سراغ ندارد.

وقتی کشوری اشغال می‌شود، تخریب می‌شود، به دو نیم می‌شود، و عقده‌های فرو کوفته قومیت‌ها و گروه‌ها سر باز می‌کنند، سال‌های سال وقت لازم است تا این زخم‌ها التیام یابد و جامعه راه صواب در پیش گیرد. بعد از گذشت ۱۴ سال از فروپاشی دیوار برلین و تشکیل آلمان واحد و تلاش‌های زیاد برای بازسازی مرده‌ریگ بلوک شرق هنوز نشان دوگانگی و افتراق در این شهر وجود دارد. به قول یک جامعه‌شناس آلمانی، برلین هنوز یک شهر تقسیم شده است و بخش‌های قدیمی شرق و غرب برای هم ناشناخته باقی مانده‌اند. هنوز در غرب، شرقی‌ها (اُسی‌ها Ossi) مردمانی تنبل، با تمایلاتی سطح پایین و عقب‌تر از زمان و واپس‌گرا و کم‌سواد تلقی می‌شوند. و در شرق، غربی‌ها (وِسی‌ها wessi) مردمی متکبر و پول‌پرست تلقی می‌شوند که از بی‌تجربگی شرقی‌ها برای کسب سود بیشتر سوءاستفاده می‌کنند و نسبت به دستاوردهای شرق خود را به تهاجل می‌زنند. هنوز جنگ سرد در دو قسمت برلین حکم فرماست. غربی‌ها سرازیر شدن بودجه‌ها را به شرق باعث بالا رفتن قیمت‌ها و تنگ شدن معیشت خود می‌پندارند، و شرقی‌ها خود را تحت بهره‌کشی می‌پندارند زیرا دستمزد شرقی‌ها کمتر است و به‌طور متوسط ماهانه ۱۴۰۰ مارک کمتر از غربی‌ها دریافت می‌کنند.

آمار ازدواج نشان می‌دهد از هر سی ازدواج فقط یک مورد میان اهالی شرق و غرب رخ می‌دهد. به‌طور جدی شرقی‌ها فکر می‌کنند آنها شهروند درجه دو به حساب می‌آیند.

مشاور گرهارد شرودر به‌درستی گفته بود: "ما راه درازی در پیش داریم، زمان برابر شدن استانداردهای زندگی در غرب و شرق دورتر از آن است که در روزهای ششاد ناشی از برچیده شدن دیوار در ۱۹۸۹ گمان می‌کردیم."

هر گونه کار بازسازی، از جمله بازسازی کتابخانه‌های عراق و افغانستان با تقسیمات پنهان و آشکاری که در این کشورها به لحاظ قومی، زبانی، مذهبی و منافع سیاسی وجود دارد نیاز به شناختی عمیق از سازوکار این جوامع دارد و گرنه تلاش‌ها به‌درستی به بار نخواهد نشست.

اصرار در ارسال کتاب‌ها با سوگیری‌های حساسیت‌زا موجب شد بعضی محموله‌های ارسالی به افغانستان به هرات نرسیده به یغما رود و یا به آتش کشیده شود.

در کتابخانه عامه کابل ماه‌هاست اتاقی از کتاب‌های انگلیسی انباشته شده است. این کتاب‌ها که از سوی امریکا برای این کتابخانه ارسال شده‌اند و فقط ۵۵۰۰۰ دلار هزینه حمل آن به پای کمک به افغان‌ها نوشته شده است، به قول یکی از کتابداران افغانی یک نسخه از آن هم قابل استفاده نخواهد بود.

در جنگ دوم جهانی آلمان آسیب فراوان دید و بیش از هشتاد درصد از پایتخت آن ویران شد. اما این ملت قسطنوس‌وار سربرکشید و اکنون به عنوان یکی از قدرت‌های برتر اتحادیه اروپا مطرح است و سعی می‌کند بر مشکلات و رنج‌های دوره استیلای بیگانه بر سرزمین خود فائق آید.

پشتکار و نظم آهنین آلمان و برنامه‌های عقلانی و بلندمدت، این کشور را به این حد و پایه رسانده است. آیا عراق و افغانستان نیز چنین خواهند شد؟

وقتی از فراز رایشتاک به برلین نظر می‌افتنی و هنوز پس از گذشت بیش از نیم قرن از پایان جنگ و ۱۴ سال از پرچیده شده دیوار، سمتی را آباد و پرهایو و سمت دیگر را تاریک و بی‌صدا می‌بینی، ناخودآگاه با خود می‌خوانی:

فغان زجغد جنگ و مرغوی او!

فریبرز خسروی